

## درس سیزدهم: خوان هشتم

"خوان هشتم" برگرفته از مجموعه «در حیات کوچک پاییز در زندان» \* شاعر: مهدی اخوان ثالث \* قالب شعر: نیمایی \*  
نوع ادبی: حماسی \* محتوا: کشته شدن رستم و رخس، به دست شغاد، برادر ناتنی رستم \* لحن: روایی - داستانی و حماسی  
\* نقل شعر: مهدی اخوان ثالث.  
شعرخوانی: ای میهن / دیوان اشعار، ابوالقاسم لاهوتی.

**قلمرو زبانی**

۱. معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) سورت سرمایه دی بیدادها می کرد.      ب: با صدایی مرتعش ، لحنی رجزمانند

پ) چوب دستی منتشا مانند در دستش      ت) مرد نقال از صدایش ضجه می بارید.

ث) آن هریوه ی خوب و پاک آیین - روایت کرد.      ج) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است.

چ: دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایران شهر / شیر مرد عرصه ناوردهای هول.

ح: چاه غدر ناجوان مردان، چاه پستان، چاه بی دردان.

خ: رخش، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا.

نکته: گروه کلماتی که مترادف دارد. (عماد و تکیه گاه) \* (عیار و ابزار و معیار) \* (هول و ترسناک) \* (تینده و درهم بافته).

(ناورد و جنگ) \* (طاق و فرد و تنها) \* (منتشا و عصای مخصوص از چوب ستبر) \* (عبث و بیهوده) \* (سنان و سرنیزه)

۲. واژه های درست، را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: همچنان که می توانست او، اگر می خواست، کان کمند (شصت / شست) خم خویش بگشاید.

ب: رخش، آن (طاق / طاق) عزیز، آن تای بی همتا.

پ: (سورت / صورت) سرمایه دی بیدادها می کرد.

۳. اشتباهات املائی را بیابید؛ سپس آن را اصلاح نمایید.

الف: «هفت خوان را زاد سرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد، آن هریوه خوب و پاک آیین - روایت کرد.»

ب: خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان، خواه روز جنگ و خوره بحر کین سوگند.

۴. در متن زیر، گروه های اسمی و وابسته های پیشین و پسین را مشخص کنید.

«هفت خوان را زاد سرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد، آن هریوه خوب و پاک آیین - روایت کرد؛ خوان هشتم را، من

روایت می کنم اکنون.»

۵. نوع حذف را در موارد زیر بیان کنید.

الف: هفت خوان را زاد سرو مرو / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد / خوان هشتم را / من روایت می کنم اکنون / من که نامم

ماث.

ب: قهوه خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / همگنان را خون گرمی بود / قهوه خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام /

راستی کانون گرمی بود.

پ: مرد نقال، آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه میرفت و سخن

میگفت.

۶. با توجه به شعر زیر، به سؤالات داده شده پاسخ دهید.

« بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید / بس که خویش رفته بود از تن. »

الف. « ش » در گشودش ، « مضاف الیه » کدام واژه است؟

ب. مرجع ضمیر « ش » در واژه ی خویش چیست؟

پ: نهاد محذوف در بند فوق کیست؟

۷. نقش دستوری واژگان مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

الف) « هفت خوان را زادسرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد / آن هریوه خوب و پاک آیین، روایت کرد؛ / خوان هشتم را

/ من روایت می کنم اکنون، ... / من که نامم ماث... »

ب) ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه ای را دید / او شغاد، آن نابرد بود.

پ: قصه است این، قصه، آری قصه درد است.

۸. در کدام گزینه نقش تبعی «تکرار» به کار رفته است؟

الف) رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا (ب) قصه است این، قصه، آری قصه درد است.

پ) همچنان می گفت و می گفت و قدم می زد. (ت) مرد نقال، آن صدایش گرم، نایش گرم.

۹. واژه ای از متن زیر بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد. سپس معنی آن را بنویسید.

رستم دستان، در تگک تاریک ژرف چاه پهناور، کشته هر سو بر کف و دیواره هایش نیزه و خنجر، چاه غدر ناجوان مردان.

### قلمرو ادبی:

۱۰. در عبارت «سورت سرمای دی بیدادها می کرد» کدام آرایه ها وجود دارند؟

۱۱. با توجه به بند «لیک خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه خانه گرم و روشن

بود، هم چون شرم...» به سوالات پاسخ دهید.

الف) آرایه های ادبی را بیابید.

ب) منظور شاعر از قهوه خانه چیست؟

پ) نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید. (قلمرو زبانی)

ت: «آتشین پیغام» چه آرایه ای دارد؟

۱۲. به سوالات مرتبط با بند زیر پاسخ دهید.

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن

می گفت.»

الف) مجاز را در بند بیابید.

ب) آرایه «صدایش گرم» را بنویسید.



پ) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

۱۳. آرایه‌های موجود در عبارت زیر کدام‌اند؟ «این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها، / روکش تابوت تختی هاست..»

الف: تشبیه - تضاد - مراعات نظیر - مجاز  
ب: ایهام - تشبیه - مراعات نظیر - متناقض نما  
پ: تشبیه - ایهام - تلمیح - مراعات نظیر  
ت: تلمیح - تضاد - متناقض نما - ایهام تناسب

۱۴. در سروده «خوان هشتم»، «رستم» و «شغاد» نماد چه کسانی هستند؟

۱۵. آرایه موارد زیر را بنویسید.

الف: ناگهان انگار، بر لب آن چاه، سایه‌ای را دید، او شغاد، آن نابردار بود.

ب: دم‌ش چونان حدیث آشنایش گرم.

پ: «قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم...»

۱۶. با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دم‌ش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می‌رفت و سخن می‌گفت.»

الف) شاعر صدای گرم و گیرای نقال را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

ب) منظور از «حدیث آشنا» چیست؟

۱۷. در مصراع «او شغاد، آن نابردار بود» یک ایهام وجود دارد، آن را بیابید و معانی مختلف آن را بنویسید.

مفهوم کنایه‌ی بند زیر را بنویسید. «همگنان را خون گرمی بود / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام.»

رخش خود را دید / بس که خونش رفته بود از تن، گویی از تن حسّ و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید.

۱۸. بارزترین آرایه‌های ادبی موارد زیر را بنویسید.

الف: چوب دستی منتشا مانند در دستش / مست شور و گرم گفتن بود.

ب: آن شب نیز سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.

پ: مرجع ضمیر «ش» در «دستش» چیست؟

۱۹. عبارت زیر را بخوانید؛ سپس به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.

۱. آرایه مربوط به واژه‌های مشخص شده، را بنویسید.

۲. آرایه عبارت «گم شدن کلید» را بنویسید.

۲۰. بند زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید. «همگنان خاموش، گرد بر گردش، به کردار صدف برگرد مروارید/ پای تا سر گوش»

الف: مشبه و مشبه به را در بند فوق بیابید.

ب: یک نمونه «مجاز» بیابید.

پ: کدام بخش از بند فوق، آرایه کنایه دارد؟

۲۱. در بند: « پهلوان هفت خوان، اکنون طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.»

الف: یک نمونه استعاره بیابید.

ب: منظور از قسمت مشخص شده را بنویسید

۲۲. در همه گزینه ها بجز گزینه ..... آرایه «ایهام» بکار رفته است.

الف: ناگهان انگار، بر لب آن چاه، سایه ای را دید، او شغاد، آن نابردار بود.

ب: گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ...

پ: رخس را می دید و می پایید. رخس، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا، رخس رخشنده.

ت: «این گلیم تیره بختی هاست، خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست...»

۲۳. در کدام گزینه، «حس آمیزی» وجود ندارد؟

الف: مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن می گفت.

ب: رخس را می دید و می پایید. رخس، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا، رخس رخشنده/ با هزاران یادهای روشن و زنده...

پ: دمش چونان حدیث آشنایش گرم.

ت: چاه غدر ناجوان مردان /چاه پستان/ چاه چونان ژرفی و پهناش، بی شرمیش ناباور.

۲۴. آرایه «مجاز» را در عبارات زیر بیابید.

الف: مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا

ب: بعد از آن، تا مدتی تا دیر، یال و رویش را، هی نوازش کرد.

پ: دمش چونان حدیث آشنایش گرم.

ت: همگنان خاموش، گرد بر گرد گردش، به کردار صدف برگرد مروارید، پای تا سر گوش.

## قلمرو فکری

به سوال ها پاسخ دهید.

«... یادم آمد، هان، داشتم می گفتم، آن شب نیز سورت سرمای دی بیدادها می کرد و چه سرمایی و چه سرمایی.»

بند فوق از خوان هشتم ارتباط معنایی دارد با: (هوا بس ناجوانمردانه سرد است آی... - و گر دست محبت سوی کس بازی، به اکراه آورد دست از بغل بیرون که سرما سخت سوزانست...)

۲۵. منظور شاعر از «خوان هشتم»، در بند «چيست؟»

۲۶. مقصود نقال از «قصه درد» در بند «قصه است این، قصه، آری قصه درد است» چیست؟

۲۷. مفهوم بند: «قصه می گوید: این برایش سخت آسان بود و ساده بود... / کان کمند شصت خم خویش بگشاید / و بیندازد به بالا، بر درختی، گیره ای، سنگی و فراز آید / می توانست او، اگر می خواست، لیک...»

۲۸. درباره مناسب موضوعی متن درس «خوان هشتم» با بیت زیر توضیح دهید.

یوسف به این رها شدن از چاه دل میند / این بار می برند که زندانی ات کنند

۲۹. شاعر در شعر «خوان هشتم» بر کدام مضامین اجتماعی تأکید دارد؟

۳۰. معنی و مفهوم قسمت های مشخص شده درست بیان شده است.

الف: «گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید»

ب: دمش چونان حدیث آشنایش گرم

پ: دیگر اکنون آن، عماد تکیه و امید ایران شهر

ت: هفت خوان را... / به قولی... / آن هر یوه خوب و پاک آیین روایت کرد.

۳۱. منظور از قهوه خانه در بند «لیک خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه

خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم»

۳۲. شیرمرد عرصه ی ناوردهای هول.

۳۳. با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«رخش را می دید و می پایید / رخش، آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا / رخش رخشند / با هزاران یاد های روشن و زنده.»

الف. «طاق» به چه معناست؟ ب. منظور از «هزاران روشن و زنده» چیست؟ ج. در متن بالا یک حس آمیزی بیابید.

۳۴. در بند «کان کلید گنج مروارید او گم شد.» الف: منظور از قسمت مشخص شده، چیست؟ ب: مرجع ضمیر «او» کیست؟



۳۵. با توجه به شعر: « قصه است این ، قصه ، آری قصه ی درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین و مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست » شاعر بارزترین ویژگی شعر خود را در چه چیزی می داند؟
۳۶. مفهوم بند زیر را بنویسید. «داشتم می گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی، چه سرمایی» \* \*  
 ۳۷. با توجه به مصراع « گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید. » ، منظور شاعر از « صدف » و « مروارید » چه کسانی هستند؟  
 ۳۸. معنی و مفهوم بند «این گلیم تیره بختی هاست، خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست...»  
 ۳۹. یکی از بخش های اشعار حماسی، «رجز خوانی» است، منظور از آن را بنویسید.

۴۰. با توجه به «چاه غدر ناجوان مردان / چاه چونان ژرفی و پهناش ، بی شرمیش ناباور / و غم انگیز و شگفت آور»  
 الف: استنباط خود را از مفهوم این بند بنویسید.  
 ب: «غدر ناجوان مردان» به چه چیزی اشاره دارد؟

۴۱. منظور از واژه های (زادسرو، ماخ سالار، هریوه، خوان هشتم و ماث) در «خوان هشتم» را بنویسید.  
 ۴۲. در شعر « سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی ، چه سرمایی ! » علت تأکید و تکرار « چه سرمایی » چیست؟  
 ۴۳. براساس بند « آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن گرد سجستانی » ، منظور از قسمت های مشخص شده، کیست؟

۴۴. موارد زیر را معنی کنید.  
 الف: همگان را خون گرمی بود.  
 ب: گفت در دل: «رخش! طفلک رخش! / آه!» این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.  
 پ: شعر نیست؛ این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست  
 ت: مرد نقال از صدایش ضجه می بارید / و نگاهش مثل خنجر بود.  
 ث: سورت سرمای دی بیدادها می کرد.

ج: آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان ، گم بود.  
 چ: همگان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش.  
 ح: این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست.

### شعر خوانی : ای میهن

قالب شعر: غزل \* \* شاعر: ابوالقاسم لاهوتی

بررسی برخی از قلمروهای ادبی شعر

ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها، پاسخ دهید.

الف: تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن! / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن!

ب: تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن!

پ: به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم / به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن!  
ت: اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن!  
ث: به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!  
به سوالات پاسخ دهید.

۴۵. نقش واژه های مشخص شده را مقابل هر بیت بنویسید.

۴۶. معنی و مفهوم بیت دوم را بنویسید.

۴۷. نوع «واو» در بیت دوم را بیان کنید.

۴۸. در کدام گزینه بیشترین نقش «مسند» وجود دارد؟

۴۹. بیت چهارم را به لحاظ حذف بررسی کنید.

۵۰. تعداد متمم در کدام گزینه بیشتر است؟

۵۱. تعداد ترکیب های وصفی و اضافی همه ابیات را بررسی کنید.

۵۲. همه ابیات را به لحاظ ادبی بررسی کنید.

۵۳. مفهوم همه ابیات را بنویسید.



### قلمرو زبانی:

۱. الف: تندی و تیزی ، حدت و شدت      ب: دارای ارتعاش ، لرزنده
- پ: نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می شود و معمولاً درویشان و قلندران به دست می گیرند. (منتشا متضاد «تعلیمی» است که عصای ظریف و نازکی است.)
- ت: ناله و فریاد با صدای بلند، شیون      ث: هراتی (اهل هرات)      ج: ابزار و مبنای سنجش ، معیار
- چ: عماد: تکیه گاه، نگاه دارنده / ناورده: نبرد      ح: غدیر: بی وفایی و خیانت      خ: طاق: فرد، یکتا، بی نظیر (البته این واژه معانی دیگری چون: سقف، ایوان، بخش قوسی هر چیز مانند ابرو، محراب و ... دارد؛ اما در اینجا در معنای فرد و یکتا و بی نظیر است.)
۲. الف: شصت      ب: طاق      پ: سورت
۳. الف: ماخ سالار      ب: بهر
۴. هفت خوان: هفت: وابسته پیشین (صفت شمارشی)/خوان: هسته\*\* زادسرو مرو: زادسرو: هسته / مرو: وابسته (مضاف الیه) \*\*\* قولی: هسته\*\* ماخ سالار: هسته\*\* آن گرامی مرد: مرد: هسته / آن: وابسته پیشین (صفت اشاره) / گرامی: صفت پیشین: صفت بیانی (مطلق) \*\* آن هریوه خوب و پاک آیین: آن: وابسته پیشین (صفت اشاره)/ هریوه: هسته / خوب: صفت پسین (بیانی) / پاک آیین: وابسته پسین: صفت بیانی \*\*\* خوان هشتم: خوان: هسته / هشتم: وابسته پسین (صفت شمارشی ترتیبی) / من: هسته / روایت: هسته.
۵. الف: (حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از ماث).      ب: (حذف فعل «بود» به قرینه لفظی بعد از گرم و روشن)      پ: (حذف فعل «بود» بعد از واژه های گرم و گِیرا و گرم)
۶. الف: چشم.      ب: تن (رخش)      پ: رستم
۷. الف: (نهاد - بدل - مفعول - مسند)      ب: (قید - مضاف الیه - مفعول - مسند - بدل)      پ: (مسند - نهاد - تکرار - مسند - مضاف الیه)
۸. گزینه «ب»: یکی از شرایط نقش تبعی تکرار این است که واژه یا عبارت تکرار در همان نقش دستوری خود ظاهر شود و نقش دیگری را نپذیرد.
۹. (غدر: خیانت و بی وفایی / قدر: ارزش و اعتبار)

### قلمرو ادبی:

۱۰. سورت سرمای دی بیداد می کرد: تشخیص (استعاره)\*\*\* بیداد کردن سرما: کنایه از سرمای شدید\*\*\*دی: مجاز از زمستان و در عین حال نماد حاکمیت ظلم و استبداد.
۱۱. الف: تشبیه: بیرون به ترس و قهوه خانه به شرم\*\*\* تیره بودن بیرون / گرم و روشن بودن شرم: حس آمیزی / گرم و شرم: جناس \*\*\* تیره و روشن / گرم و سرد: تضاد.      ب: فضای داستان شاهنامه      پ: (قید - مسند - متمم)      ت: آتشین پیغام: حس آمیزی / (این ترکیب، اضافه تشبیهی نیز هست.)
۱۲. الف: نای: مجاز از سخن\*\*\* دم: مجاز از سخن\*\*\* حدیث: مجاز داستان شاهنامه      ب: حس آمیزی      پ: (بدل - بدل - بدل - متمم)

- ۱۳- گزینه «پ» تشبیه: مانند کردن شعر یا قصه به گلیم / داغ: ایهام (۱) گرم (۲) ماتم) / اشاره به داستان های سهراب و سیاوش و جهان پهلوان تختی: تلمیح / سهراب و سیاوش و خون: مراعات نظیر.
- ۱۴- رستم: نماد قدرت ملی ایرانیان \*\*\* شغاد: نماد نیرنگ، فریبکاری و تیره روزی و بدبختی.
- ۱۵- الف: (نابردار: ایهام: ۱) برادر ناتنی (۲) ناجوانمرد) \*\*\* ب: (دم: مجاز از سخن و بیان) \*\*\* پ: تشبیه: قهوه خانه به شرم \*\*\* گرم: ایهام: ۱) صمیمی ۲) دارای گرما و حرارت \*\*\* گرم و شرم: جناس \*\*\* گرم و روشن بودن شرم: حس آمیزی.
- ۱۶- الف: حدیث آشنا ب: داستان های شاهنامه
- ۱۷- الف: خون گرم بودن: کنایه از صمیمی و مهربان بودن. ب: خوابیدن: کنایه از مردن.
- ۱۸- الف: تشبیه: چوب دستی متشا مانند / گرم گفتن بودن: کنایه از مشغول حرف زدن.
- ب: بیداد کردن سورت سرمای دی: استعاره (تشخیص) / بیداد کردن سرما: کنایه از سرمای بسیار شدید / دی: مجاز از زمستان و نماد حاکمیت اختناق.
- پ: مرد نقال.
- ۱۹- الف: ۱) (کلید: استعاره از لبخند) \*\*\* گنج: استعاره از دهان \*\*\* مروارید: استعاره از دندان \*\*\* ۲) کان کلید گنج او گم شد: کنایه از نخندیدن)
- ۲۰- الف: همگان: مشبه / مشبه به: صدف \*\*\* ب: پای تا سر: مجاز از کل وجود \*\*\* پ: از پای تا سر گوش بودن: کنایه اغراق آمیزی است از با دقت گوش دادن.
- ۲۱- الف: (دهان خوان هشتم: استعاره مکئیه (تشخیص) \*\*\* ب: کشته شدن رستم
- ۲۲- الف: (نابردار: ایهام: ۱) برادر ناتنی (۲) ناجوانمرد) \* ب: (سرد: ایهام دارد: ضد گرم / فضای بدون صمیمیت \* گرم: ایهام: ۱) صمیمی (۲) دارای گرمی و حرارت) \* پ: ندارد ت: داغ: ایهام دارد (۱) گرم (۲) ماتم)
- ۲۳- گزینه «ت» آرایه حس آمیزی ندارد. / بررسی سایر گزینه ها: الف: صدای گرم. نای گرم \*\*\* ب: یادهای روشن \*\*\* پ: دمش گرم (دم: مجاز از سخن)
- ۲۴- الف: نای: مجاز از سخن - ب: دیر: مجاز از زمان طولانی و زیاد - پ: دم: مجاز از سخن / حدیث: داستان شاهنامه - ت: پای تا سر: مجاز از کل وجود.

### قلمرو فکری:

- ۲۵- چاهی که رستم با رخس در میان آن افتاد.
- ۲۶- (بیان درد و رنج جامعه)
- ۲۷- (تسلیم بودن پهلوانان بزرگ در برابر تقدیر و سرنوشت)
- ۲۸- پاسخ: \*\*\* در متن داستان، رستم با این که اگر می خواست، می توانست خود را از چاه شغاد نجات دهد، ولی نجات از چاه غدر و خیانت که در اخلاق انسان های نامرد کننده شده است، غیرممکن است و مرگ شرافتمندانه در چاه بهتر از زندگی با خیانتکاران است که خود زندانی دیگر است. در این بیت نیز به مضمونی مشابه اشاره شده است.

۲۹- به مضامینی چون حاکمیت خفقان و ظلم و ستم بر جامعه، بیان درد مردم در شعر متعهد، توصیف خیانت و نامردی و فریبکاری، نفرت از خیانت و بی شرمی، رنج جوانمردان و ترجیح مرگ شرافتمندانه بر زندگی با خیانت کاران فریبکار اشاره شده است.

۳۰- الف: (صدف: مردم / مروارید: نقال) ب: (داستان های شاهنامه و سخنان نقال) پ: (رستم داستان) ت: (ماخ سالار)

۳۱- (قهوه خانه: فضای داستان شاهنامه)

۳۲- پهلوان شجاع میدان جنگ های هول انگیز (رستم)

۳۳- الف: تک (یکتا، یگانه) ب: خاطرات روشن و به یاد ماندنی. ج: یاد های روشن.

۳۴- الف: لبخند ب: رستم

۳۵- شعر خود را فقط دارای ظاهر زیبا نمی داند بلکه محتوا و مفهوم آن را ارزشمند می داند.

۳۶- (اشاره به استبداد و ظلم حاکم بر جامعه عصر شاعر)

۳۷- صدف: افرادی که به در قهوه خانه به سخنان نقال گوش می دادند. مروارید: نقال خوان هشتم

۳۸- معنی: این شعر، مانند گلیمی است که بدبختی های جامعه را نشان می دهد و همانند خون تازه سهراب و سیاوش و روکش جوانمردانی چون تختی درد مردم را بیان می کند. (مفهوم: ارزشمندی شعر متعهد)

۳۹- شعری در میدان جنگ به قصد مفاخره.

۴۰- الف: اوج بی شرمی حيله و نیرنگ ناجوانمردان ب: به بی وفایی و خیانت شغاد- برادر ناتنی رستم- اشاره دارد که رستم را درون چاه می اندازد و سبب هلاک وی می گردد.

۴۱- زادسرو: از روایان داستان های رزم رستم است / ماخ سالار: از روایان شاهنامه / هریوه: اهل هرات، هراتی / \* \* \* خوان هشتم: چاهی که رستم در آن افتاد \* \* \* ما: مهدی اخوان ثالث (سرواژه)

۴۲- نشانه تاکید بر ظلم و استبداد.

۴۳- رستم

۴۴- الف: همگی صمیمی بودند.

ب: رستم با خود گفت: «بیچاره رخس دوست داشتنی!» شاید این اولین بار بود که رستم لبخند نمی زد.

پ: این که می گویم، شعر نیست، بلکه این ابزار سنجش محبت و دشمنی / جوانمرد و ناجوانمرد است. این سخن و شعر من مانند اشعار به ظاهر ناب و زیبا و عالی ولی خالی از تعهد و بی ارزش و پوچ و بی محتوا نیست. (مفهوم: شعر باید متعهد باشد و منعکس کننده دردهای جامعه باشد نه اینکه صرفاً زیبا باشد)

ت: در صدای مرد قصه گو (نقال)، غمی پنهان بود (بیان غمگینی داشت) و تند و تیز نگاه می کرد

ث: تندی و شدت سرمای دی ماه بسیار بود (هوا خیلی سرد بود). (مفهوم: استبداد و خفقان حاکم)

ج: آری اکنون رستم تنومند همراه اسب غیرت مند خود (رخس) در ته این چاه گرفتار شده بود. چاهی که در آن به جای آب، زهر شمشیر و نیزه بود.

چ: حاضران همه ساکت بودند، هم چون صدفی که مروارید را در میان بگیرد، پیرامون مرد نقال نشسته بودند، و به سخنان نقال با تمام وجود گوش می کردند.

ح: این شعر مانند گلیمی است که بدبختی های جامعه را نشان می دهد و همانند خون تازه سهراب و سیاوش و روکش تابوت جوانمردانی مانند تختی، درد مردم را بیان می کند. (ارزشمندی شعر متعهد)

### شعرخوانی: ای میهن

قالب شعر: غزل \* شاعر: ابوالقاسم لاهوتی

بررسی برخی از قلمروهای ادبی شعر

ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها، پاسخ دهید.

- الف: تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن! / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن! (نهاد - مسند - نهاد)
- ب: تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن! (مسند - متمم - مسند - نهاد)
- پ: به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم / به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن! (متمم - متمم - منادا)
- ت: اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن! (مسند - مسند - مضاف الیه - نهاد)
- ث: به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن! (نهاد - مضاف الیه - مفعول)

به سوالات پاسخ دهید.

۴۵. نقش واژه های مشخص شده را مقابل هر بیت بنویسید.

۴۶. ای میهن! تو از نیستی به من زندگی بخشیدی، و مرا با مهر و محبت پرورش دادی، همه هستی و تمام وجودم فدای نام تو باد.

۴۷. واو در مصرع اول بیت دوم: ربط (پیوند) \* \* در مصرع دوم: بود و نبود: وندی

۴۸. بیت ۴: واژه های مست/هوشیار/خواب/بیدار/به سوی: همگی نقش «مسند» دارند.

۴۹. حذف فعل «هستم» به قرینه لفظی بعد از هوشیار/حذف فعل «هستم» بعد از بیدار به قرینه لفظی.

۵۰. بیت سه.. مجلستم/حالت/تو: همگی در بیت، نقش متمم دارند.

۵۱. بررسی ترکیب های وصفی و اضافی:

بیت اول: ترکیب اضافی: یاد تو/پودم/عشقت/وجودم \* \* ترکیب وصفی ندارد.

بیت دوم: فدای نام تو: فدای نام/نام تو/بود و نبودم: بیت دو در مجموع سه ترکیب اضافی دارد. ترکیب وصفی ندارد.

بیت سوم: ترکیب وصفی: هر مجلس/هر زندان/هر شادی/هر ماتم/هر حالت: ۵ ترکیب وصفی دارد \* \* ترکیب اضافی: ندارد.

بیت چهارم: ترکیب اضافی: سوی تو/روی سجود/سجودم/ترکیب وصفی: ندارد.

بیت پنجم: ترکیب وصفی: این زیبا زمین: این (صفت پیشین از نوع اشاره)/زمین: هسته/زیبا: صفت بیانی (فاعلی): در مجموع گروه

اسمی «این زیبا زمین» دو ترکیب وصفی دارد. \* \*

ترکیب اضافی بیت پنجم: دشت دل/گل روی/رویت/: در مجموع ۳ ترکیب اضافی دارد.

## ۵۲. بررسی ابیات، به لحاظ ادبی:

۱. تار و بود: مجاز از تمام وجود / (البته می توان تار و بود من را هم اضافه استعاری در نظر گرفت.) \*\* ای میهن: استعاره (تشخیص) / واج آرای صامت های «ت»، «ن» \*\*\* میهن: تکرار.
۲. بود و نبود: مجاز از تمام هستی و وجود / ای میهن: استعاره (تشخیص) / میهن: تکرار.
۳. مجلس و زندان / شادی و ماتم: تضاد و تناسب \*\*\* ای میهن: استعاره (تشخیص) / تکرار «به» و «هر» / جناس: به : با.
۴. مست و هوشیار / خواب و بیدار: تضاد و مراعات نظیر \*\*\* واج آرای صامت «ر» / تکرار: اگر / ای میهن: استعاره (تشخیص) \*\*  
روی سجود به سوی کسی بودن: کنایه از احترام و تعظیم.
۵. دشت دل. گل رو: اضافه تشبیهی / زمین: استعاره از دل / دشت، گل، زمین: مراعات نظیر / میهن: تکرار / واج آرای «ز»

## ۵۳. مفهوم ابیات:

۱. عشق به میهن. \* بیت ۲: آرزوی فداکاری و جانفشانی برای وطن \* بیت ۳: همراهی با میهن در تمام مراحل سختی و آسایش. \* بیت ۴: احترام نهادن به میهن تحت هر شرایط \* بیت ۵: میهن، تنها عشق انسان.

\*